

The Islamic Revolution in the research of the Turkish academic community

Received: 2021-08-03

Accepted: 2020-09-13

Seyed Vahid Kashani *

The purpose of this study is to analyze the views of the Turkish academic community on the event of the Islamic Revolution in Iran. In this article, using descriptive-analytical research method, fifty master's and doctoral student dissertations were reviewed and analyzed. Findings indicate the existence of two positive and negative attitudes towards Islamic Iranian diplomacy and religious government in the Turkish academic community. In both respects, Iran is a powerful country that decides independently on foreign policy and sovereignty, and is one of the great world powers and a major player in Middle East regional politics. Therefore, most of the dissertations focus on political principles such as leadership, Wilayat-e-Faqih, the export of the revolution, the Shiite crescent, Iran's foreign policy, and so on. Iran and Turkey, while having significant religious, historical and cultural commonalities, experience a governmental approach to the transition from tradition and religion to the modernization movement, which with the Islamic Revolution of Iran, found a different destiny and path; The effects of the Islamic Revolution and its achievements are among the issues of interest in Turkish academic research. Considering the entry of the Islamic Revolution of Iran into the stage of self-construction, socialization and civilization in the second step and inviting to central research, it will be useful to study the view of the Turkish academic community towards the Islamic Revolution, its effects and achievements in West Asia and the world. Was.

Keywords: Islamic Revolution of Iran, Turkey, Religious Government, Wilayat-e Faqih, Middle East.

* Assistant Professor, Faculty of al-Mustafa International University, Qom, Iran (kashani.istes@gmail.com).



انقلاب اسلامی در پژوهش‌های جامعه‌دانشگاهی کشور ترکیه^۱

تاریخ دریافت: ۱۳/۵/۱۴۰۰

تاریخ تأیید: ۲۲/۶/۱۴۰۰

سیدوحید کاشانی*

هدف پژوهش حاضر، تحلیل دیدگاه جامعه‌دانشگاهی کشور ترکیه نسبت به رویداد انقلاب اسلامی در ایران است. در این مقاله، با استفاده از روش پژوهشی توصیفی - تحلیلی، پنجاه پایان‌نامه دانشجویی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بررسی و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش بیانگر وجود دو نگرش مثبت و منفی نسبت به دیپلماسی ایران اسلامی و حکومت دینی در جامعه دانشگاهی ترکیه است. در هر دو دیدگاه، ایران کشوری قدرتمند است که در مسائل سیاست خارجی و حاکمیت خود مستقل تصمیم‌گیری می‌کند و از قدرت‌های بزرگ جهانی و بازیگران اصلی در عرصه سیاست‌های منطقه‌ای خاورمیانه است. از این رو، دیدگاه بیشتر پایان‌نامه‌ها معطوف به مبانی سیاسی همچون رهبری، ولایت فقیه، صدور انقلاب، هلال شیعی، سیاست خارجی ایران و غیره است. ایران و ترکیه ضمن داشتن مشترکات دینی، تاریخی و فرهنگی قابل توجه، تجربه رویکرد حکومتی گذار از سنت و دین با جنبش مدرنیزاسیون را دارند که با وقوع انقلاب اسلامی ایران، سرنوشت و مسیر متمایزی یافتند؛ تأثیرات انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، از مسائل مورد توجه در پژوهش‌های دانشگاهی ترکیه است. با توجه به ورود انقلاب اسلامی ایران به مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در گام دوم و دعوت به پژوهش محوری، بررسی نگاه جامعه‌دانشگاهی ترکیه نسبت به انقلاب اسلامی، تأثیرات و دستاوردهای آن در منطقه غرب آسیا و جهان جهت اتخاذ راهبرد درست، مفید خواهد بود.

۱. این مقاله بسط ایده‌ای است که در همایش بین‌المللی بیانیه گام دوم انقلاب و جهان اسلام با عنوان «فرا تحلیلی بر مطالعات انقلاب اسلامی در جامعه نخبگانی ترکیه» اسفند ۱۳۹۹ در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ارائه شده است.

* استادیار جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (kashani.istes@gmail.com).





کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، جامعه دانشگاهی ترکیه، حکومت دینی، ولایت فقیه، خاورمیانه.

۱- مقدمه

در جهان امروز، دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای علمی با صرف‌نظر از منفعت‌محوری و فضاسازی‌های سیاسی و اجتماعی، به‌دنبال تبیین پدیده‌ها و مسائل اجتماعی و سیاسی مبتنی بر مستندات علمی هستند. از این‌رو بازنگری پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری دانشگاه‌ها می‌تواند دیدگاه جامعه علمی و نخبگانی را نسبت به موضوعات مختلف مشخص سازد. این پژوهش، با گردآوری پنجاه پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری با موضوع انقلاب اسلامی ایران، درصدد بررسی نگاه جامعه دانشگاهی ترکیه نسبت به ایران است. این پایان‌نامه‌ها، از بیست‌وهشت دانشگاه ترکیه، بدون هیچ‌الگویی، گزینش و گردآوری شده‌است تا انعکاس نوع نگاه نخبگان علمی ترکیه به مسائل ایران باشد.

براساس یافته‌های تحقیق، در جامعه آماری فوق، دیدگاه‌های مثبت و منفی‌ای نسبت به دیپلماسی ایران اسلامی و حکومت دینی آن وجود دارد که نگاه مثبت آن، به‌طور قابل توجهی غالب است. در هر دو دیدگاه، ایران کشوری قدرتمند و مقتدر است که در مسائل سیاست خارجی و حاکمیتی خود، مستقلانه تصمیم‌گیری می‌کند و از قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای خاورمیانه شناخته می‌شود. امروزه بررسی نگاه علمی - نخبگانی ترکیه نسبت به انقلاب اسلامی امری ضروری است، زیرا به تبیین و دفاع از نظریه ولایت فقیه در عصر غیبت، به‌عنوان نماد یک نظام انقلابی، سیاسی و اجتماعی منتهی خواهد شد.

۲- مناسبات ایران و ترکیه

ایران و ترکیه از کشورهای تأثیرگذار در جنوب غرب آسیا هستند، که پیشینه فرهنگی و تاریخی عمیقی دارند. اوج همکاری ایران و ترکیه به دوران پهلوی بازمی‌گردد؛ پرتعارض‌ترین روابط دو کشور در دوره صفویه و حکومت عثمانی بود (انصاری، ۱۳۸۵، ص. ۱۸).

پس از انقلاب اسلامی، متأثر از تغییر هویت و هنجارهای موجود در سیاست خارجی ایران و تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی، نوسانات زیادی در روابط ایران و ترکیه به‌وجود آمد که بسته به منافع طرفین، توأم با همکاری و تعارض بوده‌است (احمدی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۹۱). اهمیت ترکیه پیش از آن که معلول نقش سیاسی این کشور باشد، برآمده از موقعیت

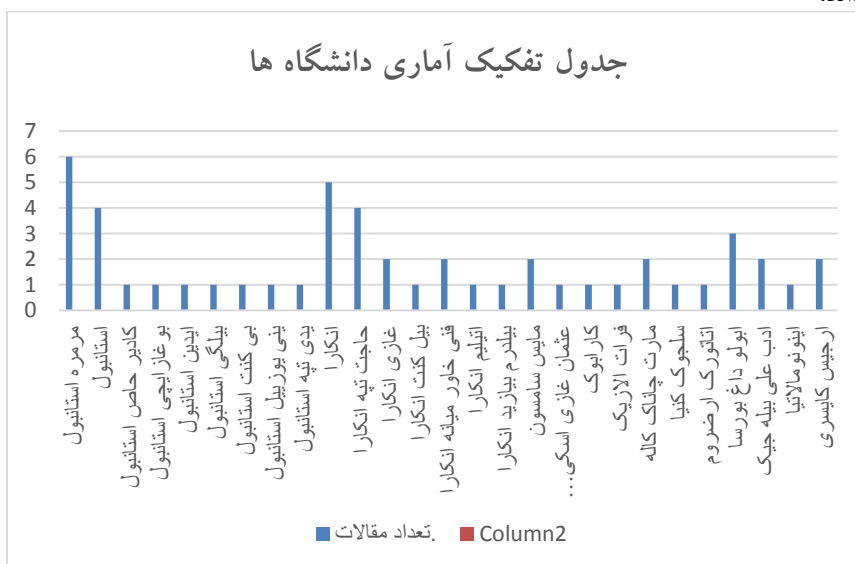
جغرافیایی آن است. قرار گرفتن در نقطه اتصال آسیا به اروپا، اسلام به مسیحیت و شرق به غرب، در کنار نزدیکی این کشور به مناطق مهم و استراتژیک خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان باعث شده است تا ترکیه در ساختار نظام بین الملل به عنوان یک نقطه اتکا در تعامل جهانی عمل نماید (اسکندری، ۱۳۸۹، ص. ۸۰).

اهمیت ژئوپلیتیکی ترکیه در مسیر ارتباطی ایران با اروپا و موقعیت این کشور در میان کشورهای اروپایی، نوعی تقابل سنتی - تاریخی میان ایران و ترکیه ایجاد کرده است. ترکیه با پیگیری اهداف اقتصادی و سیاسی به دنبال حفظ اهمیت استراتژیک خود برای غرب است؛ این روابط استراتژیک، برخی پیامدهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی بر جامعه ایران و جمهوری اسلامی خواهد داشت (باغچی و چالیش، ۱۳۸۷، ص. ۹۸).

۳- جامعه آماری پژوهش

جامعه مورد بررسی در این پژوهش، پایان نامه های دانشجویی است که در مقاطع ارشد و دکتری دانشکده های الهیات دانشگاه های استانبول، مرمره، کادیرحاص، بوغاز ایچی، آیدین، بیلگی، بی کنت، ینی یوزبیل، یدی تپه و دانشگاه های آنکارا، حاجت تپه، غازی، بیل کنت، فنی خاورمیانه، آتیلیم، بیلدرم بیازید، و دانشگاه های ۱۹ مایس سامسون، عثمان غازی اسکی شهیر، کارابوک، فرات الازیک، ۱۸ مارس چاناک قلعه، سلجوک کنیا، آتاتورک ارضروم، اولوداغ، ادب علی بیل جیک، اینونو مالاتیا، ارجیس کایسری نوشته شده اند.

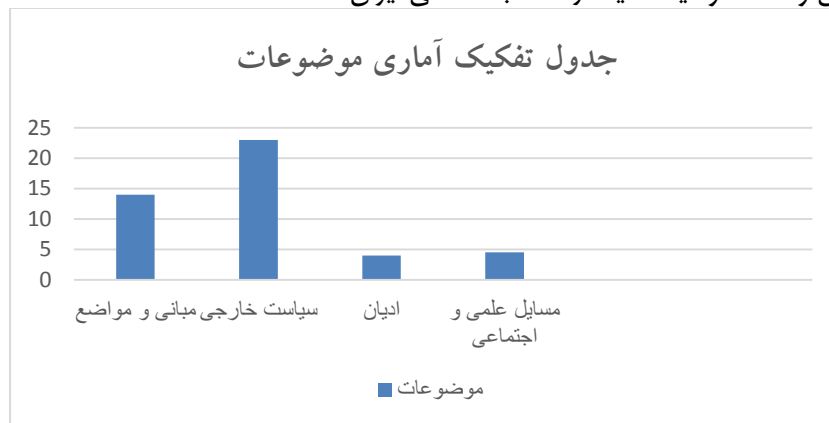
جدول تفکیک آماری دانشگاه ها



از این تعداد، ۹ پایان‌نامه دکتری و ۴۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد بوده‌است.



پایان‌نامه‌های دکتری در موضوعاتی چون ایران در طول جنگ جهانی دوم و بعد از آن، دیدگاه ایران درباره حقوق بین‌الملل، روابط دینی جمهوری آذربایجان با دولت عثمانی، روسیه و ایران (قرن ۱۹)، روابط ایران و آمریکا بعد از انقلاب ایران، چهره موروثی مدرنیزاسیون سیاسی، روسیه و ایران، تغییر ماهیت شیوه‌های عملی امنیتی‌سازی آمریکا و ایران، انقلاب‌های قانون اساسی (مشروطیت)، مقایسه ایران و امپراتوری عثمانی، آیت‌الله خمینی و مسئله ولایت فقیه در انقلاب اسلامی ایران نگاشته شده‌اند.



موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد نیز بیشتر معطوف به مسائل سیاسی ایران، به‌ویژه سیاست خارجی آن است. مسائل زنان با رویکردهای کارآفرینی و جایگاه اشتغال



زنان در ایران و ترکیه، تأثیرات مهاجرت به ترکیه بر زنان ایرانی و حقوق زنان بعد از انقلاب در ایران، نقش زنان در روند انقلاب و پس از آن نیز از دیگر مسائلی است که به نگارش درآمده‌اند.

۴- تحلیل پایان‌نامه‌ها

دیدگاه بیشتر پایان‌نامه‌ها، معطوف به وجوه سیاسی‌ای همچون حاکمیت سیاسی، رهبری، ولایت فقیه، صدور انقلاب، هلال شیعی، تأثیرگذاری ایران بر کشورهای منطقه و جنبش حزب‌الله و تأثیرپذیری آن از برخی کشورها است. از دیگر موضوعات سیاسی - اجتماعی مورد بحث می‌توان به مسئله هسته‌ای، سلاح هسته‌ای، مواضع ایران در خصوص حقوق بین‌الملل و جنبش نوگرایی دینی در ایران اشاره داشت.

۴-۱) مبانی سیاسی ایران

۴-۱-۱) مبانی دینی حکومت در ایران

یکی از موضوعات مورد توجه در پایان‌نامه‌ها، مبانی دینی حکومت در فضای اندیشه‌ای ایران پس از انقلاب اسلامی با عنوان ولایت فقیه و مشروعیت بخشی دینی به آن است. جیهان گولر (۲۰۱۹)، در پایان‌نامه خود با موضوع «آیت‌الله خمینی (۱۹۸۹ - ۱۹۰۲) و دیدگاه‌های او در مورد امامت» می‌نویسد: خمینی در دوران انقلاب، از ساختار اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - سیاسی آن دوره بسیار خوب استفاده کرد. مردم ایران در حالی خمینی را به‌عنوان ناجی پذیرفتند که کشورشان از نظر سیاسی وابسته به غرب بود؛ تلاش رژیم شاه در سرکوب خشونت‌بار مخالفان، مردم را به خمینی نزدیک‌تر کرد. این فرآیند، با حمایت و همراهی روشنفکران و نظامیان از خمینی، به پیروزی انقلاب منجر شد. از نظر نویسنده، امام خمینی در دوران انقلاب و بعد از آن، با طرح گفتمان وحدت امت اسلامی و گفتمان‌های ضدامریکایی و ضدصهیونیستی، خواستار صدور انقلاب به کشورهای دیگر شد. دیدگاه جدید وی درباره نظریه «امامت»، با استناد به آیات و احادیث مربوط یا نامربوط و استفاده جانب‌دارانه از برخی نقاط افتراق تاریخی، باعث شکل‌گیری سیستم تاریخی و اعتقادی شیعه امامیه شده‌است.

پایان‌نامه محمّت سرکان تافلی اوغلو (۲۰۰۹)، با عنوان «آیت‌الله خمینی و مسئله ولایت فقیه در انقلاب اسلامی ایران»، به بررسی چگونگی تبدیل یک حکومت استبدادی سلطنتی به یک حکومت دینی، پس از گذشت چندین دهه از مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون در ایران پرداخته‌است. در این پایان‌نامه آمده‌است: تفکر غالب فقهای





شیعه تا قبل از خمینی این بود که در غیاب امامان، وظیفه فقها، صرفاً هدایت دینی جامعه، نه پیگیری اهداف سیاسی است. خمینی برخلاف دیگر فقیهان هم‌عصرش، فکر می‌کرد اسلام نمی‌تواند پیروز شود مگر این‌که با نظم سکولار مخالف باشد. با اعلام انقلاب سفید شاه، خمینی به صراحت برای نخستین بار حکومت شاه را به چالش کشید و پیشنهاد کرد جبهه مشترکی از طرف علما علیه شاه ایجاد شود؛ اقدامات متعدد وی در مخالفت با شاه به دستگیری و تبعید ایشان انجامید. در سال ۱۹۷۹، خمینی به‌عنوان رهبر بلامنازع انقلاب به ایران بازگشت. او با وارد کردن مفهوم ولایت فقیه در گفتمان اسلام شیعی آن را از اساس تغییر داد.

الیزابت گراجه ریچتر (۲۰۱۹)، در پایان‌نامه «سیاست خارجی رهبری دینی ایران: کُد عملیاتی آیت‌الله خمینی و خامنه‌ای» سیاست خارجی ایران را متأثر از نفوذ رهبران دینی آن می‌داند و می‌نویسد: خامنه‌ای و سلف او خمینی، به‌عنوان یک رهبر دینی، بالاترین قدرت حق و تو را در سیاست خارجی ایران دارند، سه فرضیه اصلی در این پایان‌نامه مطرح شده است: (۱) چارچوب اعتقاد سیاسی دو رهبر دینی، خمینی و خامنه‌ای، با سایر رهبران جهان کاملاً متفاوت است. (۲) تصمیمات سیاسی رهبر دینی فعلی، خامنه‌ای، بیشتر از سلف وی برای همکاری مساعد است. (۳) چارچوب‌های اندیشه سیاسی رهبران دینی، به‌دلیل تجربه حضورشان در مدیریت، در دوره مسؤولیت‌شان به‌عنوان رهبران ایران متحول شده است. وی نتیجه می‌گیرد، اندیشه سیاسی رهبران دینی ایران به‌طور متوسط نسبت به دیگر رهبران تفاوت معناداری دارد و قطعاً خامنه‌ای در مقایسه با خمینی، زمینه بیشتری برای همکاری دارد؛ اندیشه سیاسی هر دو رهبر با گذشت زمان تغییر کرده است.

پیمان اسحاقی (۲۰۱۷)، در «مشروعیت سیاسی در ایران و دین: نمونه مرقد امام رضا» می‌گوید: دولت ایران به‌عمد و انحصاری تلاش می‌کند از مرقد امام رضا مشروعیت کسب کند. در مذهب شیعه، زیارت مقبره‌های ائمه از گذشته تا به امروز اهمیت داشته است. اگرچه در ظاهر، زیارتگاه‌ها به‌عنوان مکانی مذهبی دیده می‌شوند، اما از اهمیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز برخوردار هستند. بدین‌خاطر، سیاست ایران در عصر مدرن، فرهنگ عامیانه، مشروعیت سیاسی و مقبره امام رضا با یکدیگر آمیخته و درهم اثرگذار شده‌اند. دولت‌های ایران تلاش کردند تا بین خود و مقبره امام رضا علیه السلام ارتباط برقرار کنند. در ادامه، رابطه مشروعیت و دین از دوره صفوی تاکنون در موضوعاتی مثل زیارت، مدیریت، بنیادها، ساختارها، خادمان، مراسم، جایگاه بست‌نشینی، نمادهای موجود در



مجتمع و نام‌گذاری‌های مجتمع بررسی شده‌است. وی در نتیجه‌گیری پایان‌نامه بیان می‌دارد، اساس کسب مشروعیت از مرقد، در دوره مدرن ایران شکل گرفت.

کسب مشروعیت سیاسی از مظاهر دینی نه‌تنها در مرقد ائمه علیهم‌السلام، بلکه در شعائر دینی همچون عاشورا نیز مورد توجه و پژوهش دانشجویان ترکیه قرار گرفته‌است. زینب سنا کایا (۲۰۱۸)، در پایان‌نامه «مراسم عاشورا در ایران و گسترش تاریخی آن» معتقد است، بدون دانستن معنای مراسم محرم برای جامعه شیعه، نمی‌توان فرهنگ شیعی‌گری و رمزهای مذهبی تشیع را درک کرد. هر ساله، در ماه محرم میلیون‌ها نفر از مسلمانان شیعه به‌عنوان یک الزام اعتقادی و هویت مذهبی، در این مراسم شرکت کرده و اشک می‌ریزند. آن‌ها تلاش می‌کنند با یادآوری خاطره شهادت حضرت حسین، ایجاد یک پل معنوی بین گذشته و آینده، شریک غم اهل‌بیت شدن، با تمام ائمه اطهار و در رأس آن‌ها حضرت حسین علیهم‌السلام تجدید عهد کنند. مراسم عاشورا از دیدگاه وی، نمایشی از مبانی دینی، تاریخی، جامعه‌شناختی و از اساسی‌ترین عناصر دینداری مردمی شیعه است.

روحانیت نقش مؤثری در شکل‌گیری انقلاب به‌عنوان لازمه دینی ایفا کرده‌اند. امیراحمد فکری (۲۰۰۸)، در «روشنفکری و انقلاب در ایران، تحولات اجتماعی - سیاسی و فرهنگی از ۱۹۵۳ تا ۲۰۰۶، روند تکاملی و شکل‌گیری تاریخی انقلاب ایران» به این بحث می‌پردازد. وی معتقد است، انقلاب به‌عنوان یک امر مترقی در روند تکامل تاریخی، مسئله‌سازی شده‌است و گروه روحانیت در ایران به‌دلایل ناشی از روحیه مبارز و مخالف شیعه، با تأثیرگذاری در فرآیندهای سیاسی، کلید اصلی تحلیل روند انقلاب است. روشنفکری ایرانی نه‌تنها با مشارکت گروه‌های سکولار، بلکه با مشارکت روحانیت تحقق یافته‌است و با همین روند همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد؛ همان‌طور که عناصر تاریخی جنبش مشروطه نیز، مبتنی بر ایدئولوژی‌های مختلطی است که در تعامل با غرب ظهور پیدا کرد و در عین حال بعد دینی - سنتی دارد.

در این تحقیق، با در نظر گرفتن شرایط خاص ایران، بر پویایی روشنفکری ناشی از اعتقاد شیعه مبارز در متن فعالیت‌هایش در دوران انقلاب، تأکید ویژه‌ای شده‌است. روند تکاملی انقلاب پس از بحث مفصلی در مورد نقش شریعتی به‌عنوان یک روشنفکر دینی در تحول ایران، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بحران مشروعیت که حیات سیاسی اخیر را نشانه رفته‌است، به‌عنوان موتور اصلی فرآیند تکامل «الگوی مارکس و ماکس وبر» مشخص شده‌است. با گذشت زمان و تضعیف قدرت روحانیت و روی آوردن به نظم قانونی



مستقل از تأثیر مذهبی، شرایط نوسازی در سیاست ایران مهیا شده است. جبهان تاش (۲۰۱۷)، در «نقش و تأثیرات تشیع در سیاست خاورمیانه پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران»، روحانیت و تفکر شیعی را نه تنها بر سیاست ایران، بلکه در خاورمیانه نیز تأثیرگذار می‌داند. از نظر او، پیشینه تاریخی تشیع به‌عنوان بازوی ایدئولوژیک اسلام سیاسی، با ایجاد روند هم‌افزایی اجتماعی و ملی‌گرایی در جغرافیای ایران، به یک ایدئولوژی دولتی تبدیل شده است. تشیع ایدئولوژیک ایران، با انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ سیاسی شد و ایران با استفاده از مزایای موقعیت منطقه‌ای خود، رویکرد صدور انقلاب را در پیش گرفت. گفتمان «ضدامپریالیستی» و شعار «فقط جمهوری اسلامی» و پیروی از سیاست خارجی «مستقل ایزوله» توسط ایران، که حمایت از جوامع مظلوم مسلمان را برعهده گرفته بود، حساسیت‌های ایدئولوژیک را برجسته کرد. در نتیجه گسترش منطقه نفوذ ایران و ایجاد پیوند با شیعیان در اقلیم‌های مختلف، گفتمان «هلال شیعی» شکل گرفت.

آرش فضیلت (۲۰۱۸)، در «اسلام سیاسی، گفتمان اقتدار و خشونت نمونه ایران – سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵»، اسلام سیاسی و مبانی سیاسی اسلام را منجر به گفتمان خشونت می‌داند. به‌نظر وی، با سرنگونی رژیم شاه، ساختار سیاسی تئوکراتیک و توتالیتر مبتنی بر نظریه ولایت فقیه در ایران ظهور پیدا کرد که روحانیان در بالاترین سطح آن بودند و مشروعیتش را هم از دین به‌دست می‌آورد. ساختار سیاسی در ایران برای مشروعیت‌بخشی به خشونت، انسان‌ها را ایدئولوژیک بار می‌آورد. در این روند، آموزش‌های ایدئولوژیک، رسانه‌ها و سازوکارهای نمایشی، با جهت‌دهی ذهنیت مردم، حس برتری، نفرت و مسئولیت را در آن‌ها ایجاد می‌کرد. توجیه خشونت از راه دین، موجب تبدیل آن به یک عمل مقدس در نگاه افراد عقیدتی می‌شود. رژیم ایران با سربازان ایدئولوژیک، فشارهای مذهبی و خشونت را بر اقلیت‌های دینی ساکن ایران، روشنفکران، کارگران، زنان، هنرمندان، افرادی با هویت جنسی متفاوت، ورزشکاران و کودکان اعمال می‌کند.

از منظر این پایان‌نامه‌ها، انقلاب اسلامی ایران، زاینده تفکر شیعی و اصل امامت، به‌مثابه یک ایدئولوژی، است که در روند انقلاب توسط رهبران دینی آن، به رژیم سیاسی تبدیل شد. روحانیت، مظاهری چون مرقد امام رضا علیه‌السلام و شعائر دینی‌ای مانند عاشورا، بسترهای مشروعیت‌بخشی انقلاب ایران هستند. گفتمان انقلاب با وفاداری به مبانی ایدئولوژیکی‌اش، سیاست خارجی خود را پیش می‌برد. جایگاه ایدئولوژیک تشیع و دین

نه تنها در روند و ظهور انقلاب اثرگذار بوده، بلکه در حفظ و ترویج آن نیز ارزش خود را حفظ کرده است.

۴-۱-۲) مواضع سیاسی ایران

مصطفی شهید اوغلو (۲۰۱۷)، در «ایران در طول جنگ جهانی دوم و بعد از آن (۱۹۵۳ - ۱۹۳۸)»، به روی کار آمدن رضاشاه پهلوی، به دنبال تحولات سیاسی ایران و پیامدهای آن می‌پردازد. وی معتقد است در دوره رضاخانی، ایران در حال تبدیل شدن به ساختار اجرایی سیاست‌های انگلیس و شوروی بود. از این رو، رضاشاه در برابر آن‌ها، به عنوان دشمن سنتی ایران که دنبال تقسیم کشور بین خود بودند، به سمت سیاست‌های آلمان، که در حال افزایش قدرت بود، متمایل شد. با توافق نامه‌ها و اعلامیه‌های مطرح شده، ایران از آلمان به عنوان نیرویی برای حفظ تعادل در برابر دشمنان سنتی خود نام می‌برد. در جریان جنگ جهانی دوم، انگلیس و روس با اشغال ایران، به نفوذ آلمان‌ها پایان دادند. ایران در طول جنگ و پس از آن، تحت تأثیر اشغال بیگانگان و در سایه آشفتگی داخلی، مشکلات اقتصادی و نزاع سیاسی، میدان رقابت گسترش نفوذ و کسب امتیازات نفتی بود. در پایان این درگیری‌ها، حتی اگر ایران به صورت یکپارچه نیز باقی می‌ماند، کشور بی‌ثباتی بود که امکان کودتای مورد حمایت خارجی‌ها در آن می‌رفت. رضاشاه در پیروی از سیاست‌های غربی، جنبش مدرنیزاسیون را اجرایی ساخت.

محمّت کوجا (۲۰۱۳)، در پایان نامه «جنبش‌های مدرنیزاسیون در ایران در دوره رضاشاه (۱۹۴۱-۱۹۲۵)»، با تبیین جنبش مدرنیزاسیون، معتقد است اگرچه ایران در طول جنگ جهانی اول بی‌طرفی خود را اعلام کرد، اما نتوانست از اشغال روسیه و انگلیس مصون بماند. رضاشاه، در قالب جنبش مدرنیزاسیون در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تغییرات و نوآوری‌های قابل توجهی ایجاد کرد. قانون اجباری سربازی، آموزش اجباری مقطع ابتدایی، تأسیس مدارس، ساخت راه آهن و تصویب قانون لباس، از اقدامات وی بود. براساس این پژوهش، رضاشاه در طول پانزده سال قدرت خود، در آرزوی ایجاد یک ایران قوی و مدرن بود و برای آن تلاش کرد.

آحمّت چراغ اوغلو (۲۰۱۸)، در «انقلاب ۱۹۷۹ ایران: گسترش، شکل‌گیری و تحولات»، یکی از دلایل شکل‌گیری انقلاب را مدرنیزاسیون می‌داند. از نظر وی، تعارض بین مدرنیزاسیون و جامعه سنتی سبب شکل‌گیری انقلاب ایران، که دارای پیشینه قوی سنتی و مذهبی بود، علیه سیاست‌های اجرایی پهلوی‌ها گردید. یکی از موضوعات مهم در





مواضع سیاسی ایران پس از انقلاب، مسئله هلال شیعی است، که برخی کشورها شکل-گیری آن را تحت هدایت و رهبری ایران در سیاست صدور انقلاب می‌دانند. سرکان آیگوت (۲۰۱۸)، با موضوع «بازتاب‌های ژئوپلیتیک شیعی در جغرافیای خاورمیانه بعد از انقلاب ایران»، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده نقش ایران در سیستم بین‌المللی و منطقه‌ای را موقعیت ژئوپلیتیکی آن برمی‌شمارد. ایران رابطه خود با واحدهای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین رویکرد سیاسی‌اش را، عمدتاً با عوامل ژئوپلیتیکی تعیین می‌کند که در تحلیل نقش جهانی و منطقه‌ای ایران، باید مورد توجه قرار گیرد. از منظر ژئوپلیتیکی، تلاش‌های ایران پس از انقلاب برای استفاده مؤثر از رویکرد مذهب‌گرایانه در خاورمیانه، با موانعی روبرو بوده‌است که ایران به‌جای ایجاد سیاست‌های ژئوپلیتیک شیعه، به سمت سیاست‌های عمل‌گرایانه مزیت‌های ژئوپلیتیکی جغرافیایی خود روی آورده‌است.

محمدحسین چلیک (۲۰۱۹)، در «بررسی گفتمان ایران درباره ایجاد هلال شیعی در چارچوب نظریه ساخت‌گرایی» می‌گوید، تحولات پس از دوره جنگ سرد، رویکردهای جدیدی را در رشته روابط بین‌الملل ایجاد کرده‌است. برخلاف نظریه‌های سنتی که بر عناصری مادی مانند قدرت، بازار و ظرفیت تأکید می‌کردند، تئوری ساخت‌گرایی نقش عناصر اجتماعی همچون هویت، هنجار و فرهنگ را برجسته می‌کند. ساخت‌گرایان معتقدند، ساختارها و بازیگران به‌طور متقابل یکدیگر را می‌سازند و اهمیت زیادی به مفهوم «هویت» می‌دهند. به‌نظر ساخت‌گرایان، تأثیر متقابل میان بازیگران و شکل‌گیری منافع هویت‌ها، سیاست خارجی شکل می‌گیرد. آرمان‌های انقلابی و تجدیدنظرطلبی اسلامی در سیاست خارجی پس از مدتی، با تأکید بر قدرت نرم به‌سمت گروه‌های فرعی دولت متمایل شد. با ظهور گروه‌های شیعه در لبنان، عراق و یمن در سیاست داخلی و خارجی، ادعا شد که یک هلال شیعی به هدایت ایران، کشورهای سنی را احاطه کرده‌است تا تسلط منطقه‌ای و حوزه نفوذ ایران گسترش یابد.

۲-۴) سیاست خارجی ایران

دنیس ولادیمراف (۲۰۱۵)، در «مداخله انگلیس و شوروی در ایران: ایران در امپریالیسم جهانی»، ایران را کشوری تعیین‌کننده در عرصه روابط بین‌الملل می‌داند. از دید وی، جنگ جهانی دوم نقش اساسی در تغییر مراکز فعال در سیستم جهانی ایفا کرد. پس از آن، ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شد؛ زیرا در نقطه تلاقی امپریالیسم جهانی قرار دارد.

ایران با قرار گرفتن در میان بازی‌های ژئوپلیتیک و حضور در تمامی حرکت‌های سیستم جهانی، به وضوح بازتاب‌دهنده همه این حرکت‌هاست. برای قرن‌ها، ایران یکی از محورهای اصلی نیروهای مرکزی در مبارزه‌های امپریالیستی بود؛ همچنین این منطقه، در طول جنگ جهانی دوم، نقطه جدایی استراتژیک و تضاد منافع قدرت‌های جهانی بود. از این رو، ایران با حضور طولانی‌مدت در سراسر جهان، به طور قابل توجهی بر ساختار سیستم جهانی، اصول و مناسبت‌های بین‌المللی تأثیر گذاشته است.

امین گوک آلپ (۲۰۱۶)، در «سیاست در جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب»، درک سیاست خارجی امروز ایران را نیازمند درک نظام سیاسی آن می‌داند که آمیزه‌ای از سنت سلطنت، نهادهای جمهوریت و دیدگاه‌های مذهب شیعه است.

رجب یوروک (۲۰۱۹) در «انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ و سیاست‌های صدور انقلاب ایران در خاورمیانه»، معتقد است منطقه خاورمیانه از نظر سیاسی و جامعه‌شناختی، یکی از پیچیده‌ترین مناطق جغرافیایی جهان است. این منطقه، از زمان استقرار اولین انسان در روی زمین تا به امروز، تقریباً در هر دوره‌ای از تاریخ، یکی از مراکز اقتصادی - سیاسی و الهی - فرهنگی جهان بوده است. منطقه خاورمیانه در گذشته، پایه‌های آینده خود را ساماندهی کرده است. در بسیاری از سیستم‌های جهان، به ویژه در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، دینی و اقتصادی امروز، می‌توان ردپایی از خاورمیانه یافت. در سال ۱۹۷۹ در منطقه‌ای با چنین تاریخ و هویت خاصی، انقلاب اسلامی ایران تشکیل شد که توازن‌های سیاسی منطقه‌ای را برهم زد و امروزه بازیگر بسیاری از بحران‌های خاورمیانه است. فعالیت‌های ایران در منطقه، که در چارچوب سیاست صدور انقلاب است، نقش عمده‌ای در پیدایش این وضعیت دارد.

اکبر کان دمیر (۲۰۱۶)، در «نقش امنیت منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران: سیاست ایران در مورد افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر»، به رابطه ایران و افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر می‌پردازد. ایران و افغانستان با واقع شدن در محل تلاقی خاورمیانه و اوراسیا روابط فرهنگی و قومی عمیقی دارند. روابط دو کشور در قرن بیستم تا دهه ۱۹۸۰ پیشرفت چندانی نداشت، اما تعاملات آنان پس از تحولاتی مانند انقلاب اسلامی و اشغال افغانستان توسط دولت شوروی افزایش یافت؛ زیرا مطابق نظریه «مجموعه امنیت منطقه‌ای» مکتب کپنهاک، رابطه امنیتی براساس وابستگی‌های متقابل ایجاد می‌شود.

ناصر علی براتی (۲۰۱۹)، در «تأثیر رقابت‌های ایران و عربستان سعودی بر افغانستان»





می‌گوید: در چگونگی پیدایش اوضاع فعلی افغانستان، نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار عوامل داخلی نقش مهمی داشته‌اند. تصرف قدرت توسط احزاب کمونیست در افغانستان و مداخله شوروی در افغانستان باعث شد که ایالات متحده، پاکستان، ایران و عربستان سعودی در مبارزه با کمونیسم و به‌زانو درآوردن شوروی، از گروه‌های مجاهدین حمایت کنند. به دنبال خروج ارتش سرخ از افغانستان و سقوط دولت کمونیستی در افغانستان، جنگ داخلی در این کشور شروع شد. در این دوره، عربستان سعودی و ایران سعی در تقویت گروه‌هایی داشتند که از منافع آن‌ها حمایت می‌کردند. سازمان طالبان با کمک‌های مالی عربستان سعودی علیه دولت مجاهدین تأسیس شد. در دوره پس از طالبان، هم‌زمان با حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان، عربستان سعودی و ایران نیز استفاده از عوامل مذهبی و اطلاعاتی به تأثیرگذاری خود ادامه دادند.

منافع متفاوت عربستان و ایران در افغانستان، این دو کشور را در مقابل هم قرار داده‌است. این رویارویی، منجر به افزایش خشونت بین دو کشور، گسترش بنیادگرایی مذهبی و بی‌ثباتی شده‌است. رقابت‌های سیاسی دو کشور تنها محدود به افغانستان نیست، بلکه به تعبیر یاسین دوردو (۲۰۱۹)، در «جنگ قدرت در خلیج: رقابت ایران - عربستان سعودی»، خلیج [فارس] نیز عرصه جنگ قدرت دو کشور است که از ۱۹۷۱ شکل گرفته‌است. برخی رویدادها و نبردهایی که باعث تغییر پیوندهای خلیج شده‌اند، گاهی منجر به تغییر سیاست‌های تهران - ریاض شده‌است، اما رقابت‌های فیمابین همچنان ادامه دارد. این رقابت با رویکردهای متعدد، وسیله‌ای برای مجادله قدرت بوده و بازتاب‌های مختلفی داشته‌است. البته جنگ قدرت ایران و عربستان در سیاست اقتصادی، تبلیغات دینی، دیدگاه‌های ناسیونالیستی، درگیری رژیم‌های سیاسی، پیوندهای بین‌المللی، رویکرد سیاست خارجی عمل‌گرا، تقویت تسلیحاتی و نبرد فلسطین نیز جریان دارد.

یکی از زمینه‌های اصلی اختلاف‌های منطقه‌ای، سیاست‌های مذهبی متفاوت است که سعید اصلان (۲۰۱۷)، در «سیاست‌های مذهبی در جغرافیای خاورمیانه: نمونه ترکیه، ایران و عربستان» به آن پرداخته‌است. او معتقد است پس از درگذشت پیامبر، در مدت زمان کوتاهی، اسلام از مراکش تا آسیای میانه در جغرافیای وسیعی گسترش یافت. در نتیجه اسلام با سبک زندگی و جوامع متفاوت دینی، سیاسی و فرهنگی روبرو شد. اندوخته‌های علمی فرهنگ‌های مختلف، رویکردها و تفسیرهای جدیدی از قرآن و سنت ایجاد کرد. در نتیجه مذاهب مختلف به‌عنوان اشکال سیستماتیک این تفسیرها ظهور کردند که تاکنون

امتداد یافته‌است. سه رویکرد متفاوت مذهبی را می‌توان در این کشورها بازشناسی کرد؛ ترکیه با پیشینه تاریخی سنی و سازمان دیانت آن به‌عنوان مهم‌ترین بنیاد ترکیه معاصر، ایران با پیشینه تاریخی شیعه و آموزه ولایت فقیه و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی - شیعی و عربستان با پیشینه تاریخی وهابیت و گستره آن در سیاست‌های مذهبی این کشور، از تأثیرگذارترین رویکردهایی هستند که سیاست‌ خارجی عمل‌گرایانه و اختلاف‌های مذهبی ایران و عربستان را دامن می‌زند.

حالیل کانادی کیریک (۲۰۱۹)، با پرداختن به روسیه به‌عنوان کشوری مطرح و اثرگذار در پایان‌نامه «چهره موروئی مدرنیزاسیون سیاسی: روسیه و ایران» می‌نویسد: روسیه و ایران هر دو با تشکیل امپراتوری‌های کلاسیک در دوره پیشامدرن، تجربه مدرنیزاسیون سیاسی دارند، بدون این‌که مستقیماً تحت سلطه استعمار باشند. هر دو کشور در قرن بیستم دچار تحولات اساسی شدند. از این نظر، فرهنگ سیاسی این کشورها در پرتو تحولات سیاسی مدرن ترسیم می‌شود. لذا فرضیه ارتباط این تحولات رادیکال با گذشته سیاسی پاتریمونیا (موروئی) آن‌ها مطرح می‌شود. سیاست‌های معطوف به نوسازی سیاسی هر دو کشور، در چارچوب استمرار یا تغییر روند به‌جامانده از پیشینه سیاسی موروئی‌شان تا اواسط قرن بیستم و گسست‌های تاریخی مهم آن‌ها دنبال می‌شود.

از دیگر موضوعات مطرح درخصوص روابط ایران و روسیه «روابط دینی جمهوری آذربایجان با دولت عثمانی، روسیه و ایران قرن ۱۹»، در پایان‌نامه دکتری داداش موتلیم‌اف (۲۰۱۹) است. ترک‌های آذربایجان در قرن ۱۹ تحولات سیاسی و دینی قابل توجهی را تجربه کردند. در این دوره، تسلط روسیه تزاری بر قلمرو آذربایجان و فرآیندهای مسیحی‌سازی، ترک‌های مسلمان آذربایجان را تحت‌تأثیر قرار داد. نمونه بارز این تأثیرپذیری در حوزه دینی دیده می‌شود. در این دوره، آذربایجان با روسیه تزاری، امپراتوری عثمانی و ایران ارتباط داشت. امپراتوری عثمانی علی‌رغم بحران‌های بزرگی که داشت، سعی کرد علیه روسیه تزاری مداخله کند. روسیه نیز تلاش کرد تا مردم آذربایجان را از نفوذ دولت عثمانی و ایران دور نگه دارد؛ روابط ایران و مردم آذربایجان برپایه دین استمرار داشت.

۴-۲-۱) سیاست ایران در قبال امریکا

سچیل اوز دمیر (۲۰۱۷)، در «روابط ایران و ایالات متحده امریکا در طول انقلاب ایران» می‌گوید، پس از جنگ جهانی دوم، ارزیابی سیاست خارجی تقریباً همه کشورهای



خاورمیانه، بدون در نظر گرفتن روابط آن‌ها با ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی امکان‌پذیر نیست. تحلیل روابط کشورهای همسایه با یکدیگر، در چارچوب روابط این کشورها با قدرت‌های بزرگ جهان ارزیابی می‌شود. روابط ایران و ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم توسعه یافت. در دهه ۱۹۶۰، همکاری رو به گسترش محمدرضا شاه با آمریکا در تبدیل ایران به یک کشور سکولار و مدرن، واکنش‌های مردم ایران خصوصاً روحانیت را در پی داشت. در گفتمان روحانیت مخالف شاه، ضدیت با دادن امتیاز به کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، در رأس واکنش‌ها بود؛ زیرا در ایران از اواخر دهه ۱۸۰۰، نگرانی از مستعمره غرب شدن واکنش اجتماعی مشترکی را به‌وجود آورده بود. رهبر مبارزه علیه شاه، موسوی خمینی بود که شاه را دشمن اسلام و شریک آمریکا و اسرائیل توصیف می‌کرد. شاه مخالفت، انتقاد و اعتراضات دهه ۱۹۶۰ را با زور و خشونت سرکوب کرد. او خمینی را به تبعید فرستاد؛ مقامات امریکایی به شاه هشدار می‌دادند که حقوق بشر در ایران را ارتقا بخشد. تا دهه ۱۹۷۰ کمک‌های نظامی، فنی و اقتصادی آمریکا به ایران قابل توجه بود. با این حال، از اواسط دهه ۱۹۷۰، شاه دیگر نمی‌خواست با همان شرایط، معاهدات نفتی ایران را تمدید کند و تلاش خود را برای توسعه روابط با شوروی و کشورهای اروپای غربی آشکارا نشان داد. تحولات جهان در دهه ۱۹۷۰ نیز در روابط ایران و ایالات متحده تأثیرگذار بود. در این پژوهش، فراهم شدن مقدمات انقلاب ایران از دهه ۱۹۶۰ ارزیابی می‌شود. همچنین به روند توسعه مخالفت با شاه در ایران و سیر روابط ایران و آمریکا نیز پرداخته شده است.

واصیب علی‌آف (۲۰۰۷)، در «روابط ایران و ایالات متحده آمریکا بعد از انقلاب (۱۹۹۱ - ۱۹۷۹)»، به بررسی روابط دو کشور در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱، یعنی از وقوع انقلاب اسلامی در ایران تا فروپاشی اتحاد شوروی می‌پردازد. در این بازه زمانی، موضوع روابط آمریکا و ایران از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی دو کشور بوده است. اما سیاست‌های سخت‌ضدامریکایی پس از انقلاب اسلامی، روابط دوجانبه را تیره کرد، تنش‌ها که تا به امروز نیز ادامه دارد. ایالات متحده برای حفظ قدرت تأثیرگذاری خود در منطقه، پیوسته در تلاش بوده است تا با مداخله هرچه بیشتر در وقایع ایران، اثرگذاری خود را در این کشور افزایش دهد. روابط اقتصادی دو کشور، که پس از انقلاب متوقف شده بود، تا حدی توسعه یافت. مهم‌ترین جنبه روابط اقتصادی دوجانبه، تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی و همچنین تجارت مواد غذایی و تجهیزات نظامی بود. با این کار، دولت ایران

درصد رهایی از وضعیت دشوار خود و امریکا نیز به دنبال به دست آوردن حداقل بخشی از موقعیت از دست رفته خود است.

فاتح دَدَمَن (۲۰۱۹)، در پایان نامه دکتریش «تغییر ماهیت شیوه‌های عملی امنیتی‌سازی؛ نمونه: امریکا و ایران» به تحلیل «تئوری امنیتی‌سازی» مکتب کپنهاک، در روابط امریکا و ایران می‌پردازد. در این مدل، دو کشور کاملاً متفاوت از نظر ساختار فکری، فرهنگی و فرآیندهای تصمیم‌گیری ارزیابی شده‌اند. به نظر او، فرآیندهای امنیتی‌سازی در هر دو کشور علی‌رغم تفاوت پویایی اجتماعی و شیوه‌های حکمرانی، از الگوهای مشابهی پیروی می‌کنند. ساختارهای امنیتی که براساس گرایش‌ها و اجبارهای ایدئولوژیک ایجاد شده‌اند، هرچند موفقیت‌آمیز بودند، ولی نمی‌توانند فراتر از برنامه‌ای تصنعی برای متقاعد کردن مخاطب باشند. با پیشرفت فناوری و قابلیت‌های ارتباطی امروزی، هیچ واقعیتی را نمی‌توان برای مدت طولانی مخفی نگه داشت، دیر یا زود با آشکار شدن آن، اعتبار بازیگران مخدوش و مسئله امنیتی به‌حالتی بدتر از قبل تبدیل می‌شود.

۴-۲-۲) سیاست ایران در قبال ترکیه

ترکیه یکی از همسایگان مهم و تأثیرگذار ایران و راه ارتباطی آن با غرب است؛ روابط دو کشور ایران و ترکیه، در طول سالیان متمادی، فراز و فرودهای متعددی داشته‌است. در این بخش، به روابط دو کشور در دوران امپراتوری عثمانی و ترکیه معاصر پرداخته شده‌است.

آلپر ییلدریم (۲۰۱۷)، در «روابط عثمانی - ایران در دوره محمود اول»، به روابط ایران با امپراتوری عثمانی می‌پردازد. امپراتوری عثمانی در قرن ۱۸ حین جنگ علیه اتریش، روسیه و ایران، با برخی شورش‌های داخلی نیز مواجه بود. بخش مهمی از نزاع ترکیه با ایران در دوره نادرشاه و سلطنت سلطان محمود اول اتفاق افتاد که ماهیتی سیاسی - نظامی و دینی - مذهبی داشت. پس از سلطنت محمود در ربع دوم قرن هجدهم نیز، این نزاع در خاک آناتولی شرقی و آذربایجان امروزی و در خاک آذربایجان ایران و عراق ادامه یافت؛ تا سرانجام با امضای موافقت‌نامه قصرشیرین در سال ۱۶۳۹، مرزهای دو کشور براساس وضعیت موجود پذیرفته شد.

یکی از اشتراکات سیاسی ایران و ترکیه تجربه انقلاب قانون اساسی است که در پایان نامه دکتر مصطفی کمال میلانی (۲۰۰۲)، با عنوان «انقلاب‌های قانون اساسی (مشروطیت): مقایسه ایران ۱۹۰۶ و امپراتوری عثمانی ۱۹۰۸»، مورد بررسی قرار





گرفته‌است. این پژوهش، مقایسه دو انقلاب مشروطیت در آغاز قرن بیستم است که با فاصله دو سال در دو کشور رخ داد. برای بررسی چگونگی توالی انقلاب مشروطه در دو کشور، با مقایسه ساختارهای سنتی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها در آغاز قرن نوزدهم، چگونگی تأثیر عوامل داخلی و خارجی در روند اصلاحات در هر دو کشور بررسی شده‌است. نهضت مشروطیت در دو کشور، متأثر از عوامل خارجی بوده‌است؛ دینامیسم‌های داخلی تحت تأثیر پیشینه تاریخی و فرهنگی و تجربیات آن‌ها در قرن نوزدهم، نتایج متفاوتی در سال‌های بعدی به وجود آورد و سبب شکل‌گیری حرکت‌های متفاوتی در جریان مشروطیت شد.

در میان پژوهش‌های انجام‌شده در موضوع ایران و ترکیه، نه فقط از حیث روابط میان دو کشور، بلکه جهت‌گیری‌های سیاسی ایران و ترکیه در قبال دیگر کشورها همچون بوسنی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

ازگی توزتورک (۲۰۱۹)، در «ترکیه و ایران در جریان جنگ بوسنی» به بررسی مواضع و رویکردهای ترکیه و ایران در منطقه در دوران جنگ بوسنی پرداخته‌است. با فروپاشی یوگسلاوی جنگ بوسنی آغاز شد. ترکیه و ایران اولین کشورهایی بودند که با ابزارها و گفتمان‌های متفاوتی، در فرآیند منتهی به تأسیس دولت مستقل بوسنی و هرزگوین نقش مؤثری ایفا نمودند. تأثیر کمک‌های ترکیه و ایران در طول جنگ در این منطقه قابل ملاحظه بوده‌است؛ از دید نویسنده، نقش ایران در بوسنی و هرزگوین به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌است، درحالی‌که ایران از کشورهای مهمی بود که آثار عمیقی در منطقه برجا گذاشت.

ایران و ترکیه علاوه بر مشترکات و مشابهات بیان‌شده، در امر مهاجرپذیری نیز شباهت‌های قابل توجهی دارند. ایران با مسئله مهاجران افغانستان و ترکیه با مسئله مهاجران سوریه مواجه بوده‌است.

یاسین دمیرکِران (۲۰۱۹)، به «تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای از سیاست مهاجرت و امنیت در ایران» پرداخته‌است. بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸، در طول اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی و سپس آمریکا و تداوم جنگ‌های داخلی افغانستان، کشور ایران در معرض مهاجران افغانستانی قرار گرفت، همچنین بعد از جنبش‌های موسوم به بهار عربی از سال ۲۰۱۱ تا به امروز و با شروع جنگ داخلی سوریه، ترکیه مقصد مهاجران سوری بوده‌است.



سیاست‌های اتخاذ شده مهاجرتی و امنیتی دو کشور ویژگی‌های مشابه و متفاوتی دارند. تعداد مهاجران افغانستانی و سوری در ایران و ترکیه در دوره‌هایی به حدود سه و نیم تا چهار میلیون نفر رسیده است. مهاجرت دسته‌جمعی، در دو کشور، مسائلی را در پنج بخش امنیتی شامل بخش‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به وجود آورده است. علاوه بر آن، برخی مشکلات داخلی و خارجی، سیاسی، اجتماعی، جمعیت‌شناختی، قومی، دینی - مذهبی را در کنار معضلاتی چون تروریسم، جنگجویان تروریست خارجی، ناسیونالیسم افراطی و بیگانه‌هراسی ایجاد کرده است. در این پایان‌نامه، براساس داده‌های اداره کل اتباع و امور مهاجرت وزارت خارجه ایران و همچنین داده‌های اداره کل مهاجرت وزارت کشور ترکیه، اسناد مربوط به استراتژی مهاجرت - امنیت، طرح‌های عملیاتی ملی، گزارش‌های مهاجرت و بهره‌برداری از آمارها، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای بین سیاست‌های مهاجرت و امنیت ایران و ترکیه انجام شده است.

با وجود نگاه مثبت دانشجویان به ایران در بسیاری از پایان‌نامه‌های مورد بررسی، برخی از پایان‌نامه‌ها نیز با پیش‌فرض و دیدگاه منفی‌ای به موضوعات ایران پرداخته‌اند.

علی کمال جیلان (۲۰۰۸)، در «حمایت‌های ایران از تروریسم پس از انقلاب و بازتاب‌های آن در ترکیه» معتقد است، سیاست بین‌المللی ایران در صدور انقلاب و حفظ آن پس از ۱۹۷۹، به سمت حمایت از تروریسم متمایل شد که تأثیراتی بر ترکیه داشته است؛ زیرا در جریان این روابط بد همسایگی، در یک دوره، ترکیه به کشور هدف برای تروریست‌های مورد حمایت ایران تبدیل شد.

ابراهیم شاهین (۲۰۱۹) در «نقش دین در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و ایران در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه (آک پارتی)»، ترکیه و ایران را دو کشوری برمی‌شمارد که برای برقراری ارتباط با گروه‌های خاص مثل حزب‌الله، حماس، اخوان المسلمین، ارتش آزاد سوریه و غیره تلاش می‌کنند. از نظر او، در سال‌های دهه اول ۲۰۰۰، دین اسلام با ساختار نیمه متغیر مذاهب، به عنوان یک هویت سیاسی، از طرف ترکیه و ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفت و سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و ایران را در چارچوب دو مذهب سنی و شیعه شکل داد. ترکیه و ایران برای این که بتوانند در چشم‌انداز منطقه‌ای، بر تداوم رویکردهای دینی - فرهنگی خود در مسئله فلسطین پافشاری کنند، هم‌زمان با روند بهار عربی که در خاورمیانه شروع شد، پافشاری‌های خود در محور سیاسی را افزایش دادند. حوادث داخلی سوریه باعث شد هر بازیگر در عرصه منطقه‌ای، عناصر قدرت خود را از



منظری عمل‌گرایانه بازنگری کند. آغاز این وقایع در سوریه، ترکیه را به یکی از بازیگران اصلی‌ای تبدیل کرد که از نزدیک تحولات بهار عربی را پیگیری می‌کند. هم‌زمان باعث شد ایران، ریتم مبارزه با غرب و جنگجویان مناطق مرزی را افزایش دهد. دوکشور همچنان عناصر قدرت خود را از طریق «دین مشترک»، «فرهنگ مشترک»، «تاریخ مشترک» تعیین می‌کنند که رویکردهای مذهبی را نیز در بر می‌گیرد.

۴-۲-۳) سیاست ایران در قبال سوریه

سیاست ایران در قبال سوریه با دو رویکرد رئالیسم دفاعی و مواضع اتخاذشده در جنگ سوریه، در پایان‌نامه‌ها مورد بحث قرار گرفته‌است. برکان اوز پیر (۲۰۱۹)، به موضوع «سیاست ایران در سوریه پس از انقلاب، در زمینه رئالیسم دفاعی» پرداخته‌است. او می‌گوید: از سال ۱۹۷۹، ایران و سوریه، علی‌رغم تغییرات زیادی که در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی روی داده‌است، توانسته‌اند اتحاد طولانی‌مدت خویش را حفظ کنند. براساس برخی تحلیل‌ها، سیستم‌های دینی و اعتقادی مشترک، زیرساخت مطمئنی برای حفظ این اتحاد فراهم آورده‌است. به باور این پژوهش، این سیستم‌های اعتقادی مشترک نیست که اتحاد را حفظ کرده‌است بلکه، محاسباتی از جنس منافع ملی و تداوم حکومت، این اتحاد را قادر به زنده ماندن کرده‌است. پژوهش سعی دارد با نظریه رئالیسم دفاعی، نکات و انگیزه‌های اصلی سیاست خارجی ایران در مورد سوریه را بررسی کند.

عبدالرحمن نیازی (۲۰۱۹) با موضوع «سیاست ایران در موضوع جنگ سوریه» می‌نویسد: قیام‌های مردمی در سوریه در مارس ۲۰۱۱، بحران کنونی سوریه را رقم زد و باعث بی‌ثباتی در منطقه و ایفای نقش فعال ایران شد. ایران در ابتدا با پشتیبانی از گسترش قیام‌های عربی آن‌ها را «بیداری‌های اسلامی» نامید، اما جنگ داخلی سوریه، اتحاد چهل‌ساله سوریه و ایران را به خطر انداخت. این پایان‌نامه، به بررسی تأثیر جنگ داخلی سوریه بر سیاست‌های ایران و چگونگی عملی‌سازی آن از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ پرداخته‌است و موضوع را از دیدگاه تندروها و نیز اصلاح‌طلبان لیبرال بررسی می‌کند. در این پایان‌نامه نشان داده می‌شود که وقایع اخیر، با تقویت سپاه پاسداران ایران و جنبه سخت‌افزاری آن، به‌عنوان نقطه عطف بحران سوریه، تأثیر عمده‌ای بر ساختار قدرت سیاسی داخلی ایران داشته‌است.

۴-۲-۴) سیاست ایران در قبال حزب‌الله

مهدی انصاری جویی (۲۰۱۹) به بررسی «نقش ایران در تشکیل حزب‌الله به‌عنوان



بازیگر غیردولتی در خاورمیانه» می‌پردازد. حزب‌الله همزمان با بحرانی‌ترین دوره جنگ داخلی لبنان (۱۹۹۰-۱۹۷۵) شکل گرفت. حزب‌الله به‌عنوان یک ساختار شبه‌نظامی با منشأ شیعی، درگیری‌های بی‌شماری با اسرائیل داشته‌است. هویت انقلابی و شیعی این سازمان، زمینه اتحادی قوی و مستحکم را با رژیم ایران فراهم آورده‌است، چنان‌که از منظر روابط بین‌الملل نیز قابل تأکید است. در شکل‌گیری هویت سیاسی بازیگران غیردولتی در خاورمیانه، عناصری که منشأ دینی دارند و همچنین نهادهای رهبری دینی، از اهمیت غیرقابل انکاری برخوردارند. در رویکردهای نظری روابط بین‌الملل، از هویت‌های دینی با ریشه‌های اسلامی غفلت شده‌است. این پژوهش، با هدف بررسی مکانیسم‌های پیچیده تأثیرگذار بر گروه‌ها و جوامع شیعی منطقه انجام شده‌است که از طریق رهبری مذهبی ایران مدیریت می‌شود و با تفسیر اسلام شیعی، دامنه نفوذ خود را گسترش می‌دهد. در این زمینه، بر تلاش‌های ایران پس از انقلاب اسلامی در ایجاد و گسترش هویت شیعی انقلابی در خاورمیانه، نحوه شکل‌گیری یک هویت فرامرزی و چگونگی تعامل این گروه‌ها با یکدیگر تمرکز گردیده‌است.

بیلدیز گوزده گورسل (۲۰۱۹)، پایان‌نامه خود را در موضوع «جمهوری اسلامی ایران در دوره احمدی‌نژاد: روابط با حزب‌الله» تدوین کرده‌است. به گفته او، حزب‌الله که از سوی برخی کشورها تروریست قلمداد می‌شود و دارای کانال‌های سیاسی و نظامی است، در طول تأسیس و رشد خود تحت تأثیر تعدادی از دینامیک‌های داخلی و خارجی بوده‌است. برای درک بهتر ساختار این سازمان و قدرت تأثیر آن، این دینامیک‌ها باید بررسی گردند. از نظر پویایی بیرونی، حزب‌الله هم در تأسیس خود و هم در استمرار فعالیت‌هایش، روابط گسترده‌ای با ایران داشته‌است. در این خصوص، روابط این سازمان با ایران، که مخرج مشترک همه آن‌ها مسائل ایدئولوژیک و سیاسی است، به‌ویژه در دوره احمدی‌نژاد (۲۰۱۳-۲۰۰۵) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۳) مسائل علمی و اجتماعی مطرح در ایران

۴-۳-۱) برنامه هسته‌ای ایران

یکی از موضوعات پرچالش در عرصه جهانی درخصوص ایران، برنامه‌های هسته‌ای این کشور است. در عصر حاضر، توانمندی هسته‌ای یک ضرورت در عرصه پزشکی، انرژی و سوخت، صنعت و ... است. هرچند برخی کشورها سلاح و بمب هسته‌ای دارند، اما قاعده کلی بر منع استفاده از سلاح هسته‌ای تأکید دارد.



آرسوی اوندَر (۲۰۱۹)، در «تحلیل برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان یک مسئله بین‌المللی و تأثیرات آن در منطقه خاورمیانه» به بررسی نقش موضوع هسته‌ای در روابط بین‌الملل و مسائل هسته‌ای ایران می‌پردازد. وی، رویکردهای ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، انگلستان و روسیه در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌عنوان یک موضوع بین‌المللی و همچنین رویکرد ایران نسبت به این موضوع را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این پایان‌نامه، استراتژی‌های محتمل آمریکا در برابر ایران، از جمله احتمال همکاری مشترک یا دخالت نظامی در ایران، مورد بحث قرار می‌گیرد. رویکرد ترکیه نسبت به سیاست هسته‌ای ایران، تبیین شیوه عملکرد ترکیه در برابر استراتژی‌های احتمالی آمریکا نیز مورد ارزیابی قرار گرفته‌است.

رفت اوندَجَل (۲۰۱۹)، در پایان‌نامه «بحث گسترش سلاح‌های هسته‌ای و روابط امنیتی بین‌الملل»، به ارزیابی پیامدهای گسترش سلاح‌های هسته‌ای در امنیت بین‌المللی می‌پردازد و پیشنهاد یک چارچوب نظری جامع و منسجم با نگاه انتقادی به رویکردهای فعلی، با توجه به آنچه بحران هسته‌ای ایران می‌نامد، ارائه می‌کند. ظهور و گسترش سلاح‌های هسته‌ای به دلیل تأثیر زیادی که در سیاست‌های بین‌المللی دارند، همواره عامل مهمی برای بحث و جدال در ادبیات امنیت بین‌المللی بوده‌است. در این پایان‌نامه، رویکردهای خوش‌بینانه و بدبینانه، به‌عنوان دو رویکرد اصلی در گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مورد بررسی قرار گرفته‌است. در ادامه، رابطه سلاح‌های هسته‌ای با مفاهیم و متغیرهای مهمی مثل دلایل جنگ، بازدارندگی و دفاع، تعادل حمله - دفاع، نوع رژیم و نقش آن‌ها در روابط مدنی - نظامی مورد بحث قرار می‌گیرد. وی معتقد است پیش از آن که پیامدهای احتمالی تکثیر و گسترش سلاح‌های هسته‌ای مورد بررسی قرار گیرد، لازم است موضوع، با توجه به پارادوکس پایداری - ناپایداری پیگیری شود. در این پژوهش، که بحران هسته‌ای ایران را به‌عنوان یک مطالعه موردی در نظر گرفته‌است، این باور وجود دارد که علی‌رغم رویکردهای خوش‌بینانه و بدبینانه موجود در ادبیات فعلی، اگر ایران یک کشور دارای سلاح هسته‌ای باشد، ثبات استراتژیک افزایش خواهد یافت، اما ثبات غیراستراتژیک از بین می‌رود.

۴-۳-۲) دیدگاه جمهوری اسلامی ایران درباره حقوق بین‌الملل

فرزاد صمدلی (۲۰۱۹)، در پایان‌نامه خود به بررسی «دیدگاه جمهوری اسلامی ایران درباره حقوق بین‌الملل؛ نمونه‌ها: بحران گروگان‌گیری، بحران سلمان رشدی و اعدام



کودکان» می‌پردازد. وی معتقد است دکترین اعتقادی ایران مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه است. این دکترین، یکی از دیدگاه‌های نادر در فقه کلاسیک و معاصر شیعه است. قانون اساسی ایران بر پایه این دکترین و براساس فقه شیعه، با استفاده از عناصر تئوکراسی و دموکراسی بنا شده است. این قانون اساسی مختلط، با ایجاد یک ساختار سیاسی مختلط باعث شناساندن ایران، به عنوان کشور ناقض قوانین بین‌المللی، از منظر اصول حقوق جهانی در جامعه بین‌المللی شده است. در این پژوهش، دکترین ولایت فقیه در فقه سیاسی شیعه و اندیشه‌های آیت‌الله خمینی به تفصیل بررسی شده‌اند. قانون اساسی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹ ایران و ساختار سیاسی دولت، اصول اساسی آن و رویکرد قوانین داخلی نسبت به حقوق خارجی، همچنین مسائلی چون مصونیت نمایندگان خارجی، دیپلمات‌ها، بحران گروگان‌گیری دیپلمات‌های امریکایی در ایران و حمله به سفارت‌خانه‌های ترکیه، انگلستان و عربستان سعودی، از نظر ایران و معیارهای قوانین بین‌المللی، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در ادامه، با تعبیر «بحران سلمان رشدی» و صدور فتوای مرگ نویسنده کتاب «آیات شیطانی» توسط آیت‌الله خمینی و اعدام کودکان زیر ۱۸ سال در ایران با توجه به فقه اسلامی و شیعی و نیز قوانین بین‌المللی، ایران را متهم می‌کند که هرچند عضو سازمان ملل متحد بوده و تابع بسیاری از موافقت‌نامه‌های حقوق بین‌الملل است، اما در مواجهه با برخی موضوعات، برخلاف قواعد حقوق بین‌الملل و آموزه‌های اسلامی، براساس منافع رژیم خود، دیدگاه‌های رادیکال و منافع ملی‌اش عمل می‌کند.

۴-۳-۳ زنان

یکی از مسائل مورد توجه دانشجویان ترکیه، پرداختن به مسئله زنان در ایران است که با رویکردهای نقش زنان در روند انقلاب و پس از آن، حقوق زنان بعد از انقلاب، کارآفرینی و جایگاه اشتغال زنان در ایران و ترکیه، تأثیرات مهاجرات به ترکیه بر زنان ایرانی، موضوع ۴ پایان‌نامه قرار گرفته است.

عایشه نور کرلماز (۲۰۱۹)، در پایان‌نامه «نقش زنان در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در روند منتهی به انقلاب اسلامی و پس از آن» می‌نویسد: همان‌طور که در اکثر کشورهای جهان مشاهده می‌شود، حاکمان ایران نیز از قدرتی که در دست دارند، علیه گروه‌هایی که آن‌ها را «ناتوان» می‌خوانند، استفاده می‌کنند. زنان نیز در داخل «گروه ناتوان» قرار می‌گیرند؛ به‌خصوص در قرن بیستم، با عمیق‌تر شدن مسئله حقوق زنان در ایران و به موازات مدرنیزاسیون که هنجارهایی چون، آزادی، برابری و عدالت را



می‌آموخت، باعث شد که جنبش‌های زنان شتاب بیشتری به خود گیرد. درحقیقت، تا زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ زنان، از وضعیت پرچالشی که سعی داشت تحت فشار و استبداد، مدرنیزاسیون انجام پذیرد، بیشتر متأثر شدند. این تأثیر منفی، زنان ایرانی را وادار کرد که به دنبال یک تحول سیاسی و اجتماعی جدید باشند. بنابراین زنان حداقل به اندازه مردان در روند انقلاب نقش ایفا کردند. مشارکت فعال زنان در روند انقلابی و حمایت تشکیلات جدید از آن‌ها، به تقویت بنیان‌های اساسی جنبش زنان کمک کرد. گرچه این حمایت، پس از انقلاب جای خود را به اقتداری رادیکال‌تر از فشار و استبدادی داد که در روند مدرنیزاسیون کشور در قبل از انقلاب اعمال می‌شد. در واقع، ایران تحت عنوان قوانین شرعی، براساس قوانین مردسالارانه، برای زنان تعیین نقش کرد. در این پایان‌نامه، درخصوص جستجوی حقوقی که زنان ایرانی از قرن نوزدهم میلادی در تلاش برای یادگیری و اجرای آن بوده‌اند و همچنین وضعیت فعلی زنان در کشور به روش زمانی تحقیق انجام می‌گیرد و نقش زنان در دوره‌های انقلاب و تأثیر این تغییرات در جنسیت، در چارچوب نظریه فمینیسم به‌عنوان یکی از تئوری‌های دوره پسامدرن، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معصومه بنائی‌نیا (۲۰۱۷)، با موضوع «حقوق زنان بعد از انقلاب ایران در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۳» زنان ایرانی را بعد از انقلاب در مقایسه با رژیم پهلوی، به دلیل محدودیت‌های پس از سال ۱۹۷۹، قربانیان انقلاب می‌نامد. این پایان‌نامه با تکیه بر سیاست‌های مسائل زنان در دوره ریاست جمهوری سه رئیس‌جمهور (رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد)، در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۳ و چگونگی تأثیر سیاست‌های آن‌ها در تغییر زنان متمرکز شده‌است. هدف از این پژوهش، مشارکت در ادبیات مطالعات حقوق زنان بیان می‌شود. وی معتقد است، در دوره پس از انقلاب در ایران، رویکردهای هر رئیس‌جمهور درخصوص حقوق زنان، مبتنی بر دیدگاه‌ها و روابط شخصی آن‌ها بوده‌است و این دیدگاه‌ها تحت تأثیر سیاست‌های داخلی و خارجی آن‌ها و نهادهای مذهبی شکل گرفته‌است. در یافته‌های این پژوهش بیان می‌شود که نه تنها سیاست خارجی، بلکه روابط سیاسی و دیپلماتیک در سیاست‌های خارجی نیز به‌طور مساوی بر مسائل زنان تأثیر می‌گذارد. در دوران پهلوی، از زنان به‌عنوان سمبل مدرنیته استفاده می‌شد؛ پس از انقلاب، زنان به سمبل اسلام تبدیل شدند؛ یعنی آن‌ها بخشی از سیاست‌های ایران بوده‌اند. آن‌ها هیچ‌وقت شهروند ایرانی نبوده‌اند، بلکه فقط سمبل ایران محسوب می‌شدند.



صیدا آسمر (۲۰۱۹)، با موضوع «کارآفرینی زنان در ترکیه و ایران» درخصوص نقش زنان کارآفرین در توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ترکیه و ایران پژوهش می‌کند تا از این منظر، موقعیت نسبی زنان کارآفرین در ترکیه نسبت به زنان ایرانی را تعیین کند. او با بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان، دلایل درصد پایین زنان کارآفرین در ترکیه و ایران را توضیح می‌دهد. در این پژوهش، قوانین کارآفرینی زنان در ترکیه و ایران بررسی شده‌است. ابزار اصلی کسب اطلاعات در این تحقیق، انجام یک نظرسنجی منظم بود. برای اندازه‌گیری کارآفرینی زنان در ترکیه و ایران، پرسش‌نامه‌هایی به دو زبان ترکی و فارسی آماده شد. ۲۸۷ کارآفرین زن در هردو جامعه شناسایی شدند. برای بررسی کارآفرینان از اطلاعات کیفی، داده‌های کمی و آنالیزهای آماری استفاده گردید. این تحقیق در دو مکان، منطقه کادی کوی استانبول و منطقه ونک تهران انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که درصد زنان کارآفرین در یک دهه گذشته افزایش یافته‌است و با استفاده از روش‌های آزمایش شده و مطمئن می‌توان گفت، ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری بین کارآفرینی زنان با سطح سن، فرهنگ، دین مشترک و وضعیت زناشویی آنان وجود دارد. تأثیر مثبت سیاست‌های دولت در ترکیه و آفریدن فرصت‌های شغلی دیگر در ایران، مورد تأکید زنان کارآفرین دوکشور قرار گرفت.

آی تک نامدار (۲۰۱۹)، پایان‌نامه خود را با موضوع «اندازه‌گیری سطح اضطراب و نگرانی پناهجویان و پناهندگان زن ایرانی در ترکیه و عوامل مؤثر بر این نگرانی‌ها» تدوین کرد. از نظر او، موضوع زنان، یک مسئله مهم اجتماعی - سیاسی در ایران است. روستری زنان ایرانی، حق دوچرخه‌سواری، حق رانندگی، قوانین لباس پوشیدن و ممنوعیت روابط با مردان دیگر، از موضوعاتی است که نه تنها در کشور خودشان، بلکه در سراسر جهان پیگیری می‌شود. روند اجتماعی - سیاسی ایران با وضعیت مهاجرت زنان ایرانی مرتبط است. در این پژوهش، پس از تعریف مهاجرت، مهاجر بودن، پناهندگی و پناهنده شدن، چارچوب قانونی آنها نیز توضیح داده می‌شود. تعداد زنان ایرانی مقیم ترکیه، وضعیت اقتصادی آنها، اضطراب‌ها و نگرانی‌هایی که در زندگی‌شان در ترکیه با آن مواجه هستند، از طریق مصاحبه‌های فردی و استخراج اطلاعات کتابخانه‌ای توضیح داده می‌شود.

۴-۳-۴ جنبش نوگرایی دینی در ایران

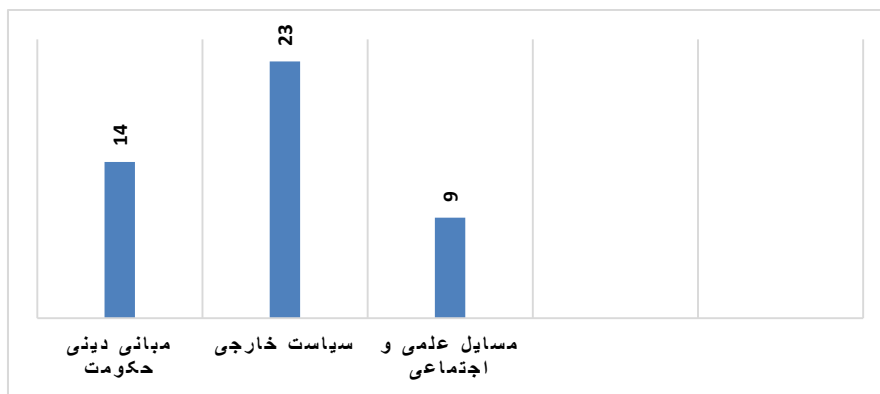
آسیه تیغیل (۲۰۱۲)، در پایان‌نامه خود به بررسی «جنبش اندیشه دینی نوگرا در ایران» می‌پردازد. در این پژوهش، روند روشنفکری در ایران که خطمشی مدرن را



نمایندگی می‌کند و شکل‌گیری متفاوتی از سنت شیعی دارد، مورد بررسی قرار گرفته‌است. نویسندگان با بررسی روند تاریخی فعالیت‌های نوگرایانه در ایران از مرحله شروع تا به امروز، به تلقی شیعه دوازده امامی در خصوص موضوعات علم کلام می‌پردازد و دیدگاه روشنفکرانی چون کدیور، شبستری، سروش و ملکیان را واکاوی می‌کند. از نظر وی، روند اندیشه دینی نوگرا، که در سال‌های قبل از ۱۹۷۹ دارای هویت ایدئولوژیکی بود، بعد از آن، با رویکردی اصلاح‌طلبانه به سمت سکولاریسم حرکت کرد و با گذشت زمان، نهادهای دینی از نهادهای سیاسی جدا شدند؛ جنبش دینی نوگرا در محدوده سکولاریسم سیاسی نماند و به سمت سکولاریسم فلسفی حرکت کرد.

نتیجه

پژوهش حاضر دیدگاه‌های علمی و نخبگانی جامعه دانشگاهی ترکیه را در خصوص ایران اسلامی و نحوه شناخت آنان از آرمان‌های انقلابی انعکاس می‌دهد تا با شناخت نوع نگاه آنان، به بررسی و تحلیل دیدگاه حاکم بر آن جامعه پرداخته و اقدام شایسته‌ای جهت درست شناساندن انقلاب و ارزش‌های انقلابی و دفاع منطقی از نظریه نظام انقلابی در عرصه جهانی انجام گیرد. در میان پایان‌نامه‌های بررسی شده، بیشترین پایان‌نامه‌ها به مباحث مبانی دینی حکومت و سیاست خارجی ایران در عرصه بین‌الملل و مسائل علمی - اجتماعی پرداخته بودند.



بیشترین موضوعات مورد توجه دانشجویان ترک

فضای نخبگانی ترکیه متشکل از دو رویکرد مثبت و منفی نسبت به مبانی دینی حکومت و دیپلماسی ایران است که رویکرد مثبت بر رویکرد منفی غلبه دارد. هر دو

رویگرد، ایران را کشوری مقتدر در منطقه غرب آسیا و جهان می‌دانند. از منظر دانشجویان ترک، انقلاب اسلامی ایران، زاینده تفکر شیعی و اصل امامت است که توسط رهبران دینی آن در روند انقلاب از حالت ایدئولوژیک به ظهور و بروز سیاسی رسید. روحانیت، مظاهری چون مرقد امام رضا علیه السلام و شعائر دینی چون عاشورا، بسترهای مشروعیت بخشی به انقلاب هستند. گفتمان انقلاب در سیاست خارجی خود با وفاداری به مبانی ایدئولوژیک خود، براساس آن عمل می‌نماید. این جایگاه ایدئولوژیک تشیع و دین، نه تنها در روند و ظهور انقلاب اثرگذار بود و نقش اساسی داشت، بلکه در حفظ و ترویج آن نیز ارزش خود را حفظ کرده‌است.



منابع

- احمدی پور، ز. (۱۳۸۹). واکاوی رقابت ایران و ترکیه در بحران سوریه. ژئوپلیتیک، ۱۵(۳).
- اسحاقی، پ. (۲۰۱۷). *مشرویت سیاسی در ایران و دین: نمونه مرقد امام رضا(ع)*. پایان نامه کارشناسی ارشد. م. جم شاهین (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه آنکارا.
- اسکندری، م. (۱۳۸۹). پیامدهای روابط ترکیه و غرب بر جمهوری اسلامی ایران. بینات، ۱۷(۶۵).
- اسمر، ص. (۲۰۱۹). *کارآفرینی زنان در ترکیه و ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. ز. آلتین کایا (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه آیدین.
- اصلان، س. (۲۰۱۷). *سیاست های مذهبی در جغرافیای خاورمیانه: نمونه ترکیه، ایران و عربستان سعودی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. ه. بیلدیز (استاد راهنما). سامسون: دانشگاه ۱۹ مایس.
- انصاری جوینی، م. (۲۰۱۹). نقش ایران در تشکیل حزب الله به عنوان بازیگر غیردولتی در خاورمیانه، پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹. پایان نامه کارشناسی ارشد. ع. عمور آتماجا (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه حاجت تپه.
- انصاری، ج. (۱۳۸۵). *ترکیه در جست و جوی نقشی تازه در منطقه*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- اوز دمیر، س. (۲۰۱۷). *روابط ایران و ایالات متحده امریکا در طول انقلاب ایران*. پایان نامه دکتری. خ. بال (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه استانبول
- اوز یر، ب. (۲۰۱۹). *سیاست ایران در سوریه پس از انقلاب*. در زمینه رئالیسم دفاعی. پایان نامه کارشناسی ارشد. ا.ص. بیچاکجی (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه کادیر حاص.
- اونجل، ر. (۲۰۱۹). *بحث در مورد گسترش سلاح های هسته ای و روابط امنیتی بین الملل*. نمونه: *ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. ا. تور کوچوک کایا (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه فنی خاورمیانه.
- اوندر، ا. (۲۰۱۹). *تحلیل برنامه هسته ای ایران به عنوان یک مسئله بین المللی و تأثیرات آن در منطقه خاورمیانه*. پایان نامه کارشناسی ارشد. ل. اورر (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه استانبول.
- آیکوت، س. (۲۰۱۸). *بازتاب های ژئوپلیتیک شیعی در جغرافیای خاورمیانه بعد از انقلاب ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. ع. عثمان کوجالار (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه مرمره.





- باغچی، ح؛ چالیش، ش. (۱۳۸۷). عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا؛ مناظره‌های پس از جنگ سرد. (مترجم: ا. قهرمانپور). *مطالعات خاورمیانه*، ۱۱(۱).
- براتی، ن.ع. (۲۰۱۹). تأثیر رقابت‌های ایران و عربستان سعودی بر افغانستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. م. حیلیمی اوز او (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه استانبول.
- بنائی‌نیا، م. (۲۰۱۷). حقوق زنان بعد از انقلاب ایران (در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۳). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. د. درسان اورحان (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه آتیلیم.
- تاش، ج. (۲۰۱۷). نقش و تأثیرات تشیع در سیاست خاورمیانه پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ج. آصلان (استاد راهنما). چاناک کاله: دانشگاه ۱۸ مارت.
- تافلی اوغلو، م.س. (۲۰۰۹). آیت‌الله خمینی و مسئله ولایت فقیه در انقلاب اسلامی ایران. پایان‌نامه دکتری. ای. اجاک (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه حاجت تپه.
- تورک، ا.ت. (۲۰۱۹). ترکیه و ایران در جریان جنگ بوسنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. م. یتیم (استاد راهنما). اسکی شهر: دانشگاه عثمان غازی.
- تیغیل، آ. (۲۰۱۲). جنبش اندیشه دینی نوگرا در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ی. شوکی یاووز (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه مرمره.
- چراغ اوغلو، ا. (۲۰۱۸). انقلاب ۱۹۷۹ ایران: گسترش، شکل‌گیری و تحولات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ه. ساین (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه ینی یوز بیل.
- چلیک، م.ح. (۲۰۱۹). بررسی گفتمان ایران درباره ایجاد «هلال شیعی» در چارچوب نظریه ساخت‌گرایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ب. حان آلا گوز (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه مرمره.
- ددمن، ف. (۲۰۱۹). تغییر ماهیت شیوه‌های عملی امنیتی‌سازی: نمونه: آمریکا و ایران. پایان‌نامه دکتری. م.ح. مرجان (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه بیلدریم بیازید.
- دمیر کران، ی. (۲۰۱۹). تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای از سیاست مهاجرت و امنیت در ایران و ترکیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ب. حان آلا گوز (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه مرمره.
- دوردو، ی. (۲۰۱۹). جنگ قدرت در خلیج: رقابت ایران - عربستان سعودی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ت.ی. شاهین (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه غازی.
- دهشیری محمدرضا، (۱۳۹۳). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات



علم و فرهنگ.

سنا کایا، ز. (۲۰۱۸). مراسم عاشورا در ایران و گسترش تاریخی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. م. چلینگ (استاد راهنما). بوسا: دانشگاه اولوداغ.

شاهین، ا. (۲۰۱۹). نقش عامل دین در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و ایران در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه (آک پارتی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پ. اوزدن جانکارا (استاد راهنما). بیله جیک: دانشگاه شیخ ادب علی.

شهید اوغلو، م. (۲۰۱۷). ایران در طول جنگ جهانی دوم و بعد از آن (۱۹۵۳-۱۹۳۸). پایان‌نامه دکتری. ر. دوغان آی (استاد راهنما). الازیک: دانشگاه فرات.

صمدلی، ف. (۲۰۱۹). دیدگاه جمهوری اسلامی ایران درباره حقوق بین‌الملل. پایان‌نامه دکتری. س. حامی باش ارن (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه آنکارا.

علی‌اف، و. (۲۰۰۷). روابط ایران و ایالات متحده آمریکا بعد از انقلاب (۱۹۹۱-۱۹۷۹). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ج. ارحان (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه آنکارا.

فضیلت، آ. (۲۰۱۸). اسلام سیاسی، گفتمان اقتدار و خشونت (نمونه ایران - سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ف. پولات (استاد راهنما). ارزروم: دانشگاه آتاتورک.

فکری، ا.ا. (۲۰۰۸). روشنفکری و انقلاب در ایران، تحولات اجتماعی - سیاسی و فرهنگی از ۱۹۵۳ تا ۲۰۰۶: روند تکاملی و شکل‌گیری تاریخی انقلاب ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. م.ع. آغا اوغوللاری (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه آنکارا.

کان دمیر، ا. (۲۰۱۶). نقش امنیت منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران: سیاست ایران در مورد افغانستان پس از سپتامبر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ب. حان آلا گوز (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه مرمره.

کانادی کیریک، خ. (۲۰۱۹). چهره موروثی مدرنیزاسیون سیاسی: روسیه و ایران. پایان‌نامه دکتری. م.ع. مرت گوک ایرماک (استاد راهنما). بوسا: دانشگاه اولوداغ.

کمال جیلان، ع. (۲۰۰۸). حمایت‌های ایران از تروریسم پس از انقلاب و بازتاب‌های آن در ترکیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. س. بیلماز (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه بی کنت.

کوجا، م. (۲۰۱۳). جنبش‌های مدرنیزاسیون در ایران در دوره رضاشاه (۱۹۴۱-۱۹۲۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ث. دومان (استاد راهنما). مالاتیا: دانشگاه اینونو.



گراجه ریچتر، ا. (۲۰۱۹). سیاست خارجی رهبری دینی ایران: کد عملیاتی آیت‌الله خمینی و خامنه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ا. اوز‌گور اوز‌دامار (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه بیل‌کنت.

گوزده گورسل، ی. (۲۰۱۹). جمهوری اسلامی ایران در دوره احمدی‌نژاد: روابط با حزب‌الله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ا. گورسس (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه یدی‌تپه.

گوک آلپ، ا. (۲۰۱۶). سیاست در جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. م. آتای (استاد راهنما). قونیه: دانشگاه سلجوق.

گولر، ج. (۲۰۱۹). آیت‌الله خمینی (۱۹۱۹-۱۹۰۲) و دیدگاه‌های او در مورد امامت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. م. آک اوغلو (استاد راهنما). کایسری: دانشگاه ارجیس.

موتلیم اف، د. (۲۰۱۹). روابط دینی جمهوری آذربایجان با دولت عثمانی، روسیه و ایران قرن ۱۹. پایان‌نامه دکتری. ش. بیلدیز (استاد راهنما). بورسا: دانشگاه اولوداغ.

میلانی، م.ک. (۲۰۰۲). انقلاب‌های قانون اساسی (مشروطیت): مقایسه ایران (۱۹۰۶) و امپراتوری عثمانی (۱۹۰۸). پایان‌نامه دکتری. ظ. توپراک (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه بوغاز ایچی.

نامدار، آ.ت. (۲۰۱۹). اندازه‌گیری سطح اضطراب و نگرانی پناهجویان و پناهندگان زن ایرانی در ترکیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ر.آ. توپچو اوغلو (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه حاجت‌تپه.

نور کرلماز، ع. (۲۰۱۹). نقش زنان در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در روند منتهی به انقلاب اسلامی و پس از آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. م.س. ارول (استاد راهنما). آنکارا: دانشگاه غازی.

نیازی، ع. (۲۰۱۹). سیاست ایران در موضوع جنگ سوریه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گنجر اوزجان (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه بیلگی.

ولادیمراف، د. (۲۰۱۵). مداخله انگلیس و شوروی در ایران: ایران در امپریالیسم جهانی در طول جنگ جهانی دوم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. غ. عثمان اوز‌گودنلی (استاد راهنما). استانبول: دانشگاه مرمره.

یوروک ر. (۲۰۱۹). انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ و سیاست‌های صدور انقلاب ایران در خاورمیانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ش. یاووز (استاد راهنما). چاناک قلعه، دانشگاه ۱۸ مارس.

بیلدیریم، آ. (۲۰۱۷). روابط عثمانی-ایران در دوره محمود اول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ع. آدی‌گوزل (استاد راهنما). اسکی‌شهر: دانشگاه عثمان غازی.



سال بیست و چهارم / شماره نود و چهارم / تابستان ۱۴۰۰

References

- Ahmadipour, Z. (1389 AP). Analysis of Iran-Turkey rivalry in the Syrian crisis. *Geopolitics*, 15(3).
- Eshaqi, P. (2017). Political legitimacy in Iran and religion: An example of the shrine of Imam Reza (AS) (Master's Thesis). Ankara, Ankara University.
- Eskandari, M. (1389 AP). Consequences of Turkish-Western relations on the Islamic Republic of Iran. *Bayanat*, 17(65).
- Esmer, S. (2019). Women Entrepreneurship in Turkey and Iran (Master's Thesis). Istanbul: Aydin University.
- Aslan, S. (2017). Religious Policies in the Geography of the Middle East: Examples of Turkey, Iran, and Saudi Arabia (Master's Thesis). Samson: University 19 May.
- Ansari Jovini, M. (2019). Iran's role in the formation of Hezbollah as a non-governmental actor in the Middle East after the 1979 Islamic Revolution. Master Thesis. ع. Amor Atmaja (Supervisor). Ankara: Hacettepe University.
- Ansari, J. (1385). Turkey in search of a new role in the region. Tehran: Office of Political and International Studies.
- Oz Demir, s. (2017). Iran-US Relations During the Iranian Revolution. PhD Thesis. ح. Wings (Supervisor). Istanbul: Istanbul University
- Oz Yer, b. (2019). Iran's policy in post-revolutionary Syria in the field of defense realism. Master Thesis. ا.ص. Bichakji (Supervisor). Istanbul: Kadir Has University.
- انجلر. (2019). Discussion on nuclear proliferation and international security relations, Example: Iran. Master Thesis. ا. Little Kaya Tour (Supervisor). Ankara: Middle East Technical University.
- Onder, A. (2019). Analysis of Iran's nuclear program as an international issue and its implications for the Middle East. Master Thesis. ل. Orer (Supervisor). Istanbul: Istanbul University.
- Aikut, s. (2018). Shiite geopolitical reflections in the geography of the Middle East after the Iranian revolution. Master Thesis. ع. Osman Kojalar (Supervisor). Istanbul: Marmara University.
- Gardener, H .; Challenge, Sh. (2008). Turkey's membership in the





- European Union; Post-Cold War debates. (Translator: A. Ghahramanpour). *Middle East Studies*, 11 (1).
- براتی، ن.ع. (2019). The Impact of Iran-Saudi Arabia Competition on Afghanistan. Master Thesis. م. Hilami Oz O (Supervisor). Istanbul: Istanbul University.
- بنائین، م. (2017). Women's rights after the Iranian revolution (1989 to 2013). Master Thesis. د. Dersan Orhan (Supervisor). Ankara: Atilim University.
- تاش، ج. (2017). The role and influences of Shiism in Middle East politics after the 1979 Iranian revolution. Master Thesis. J. Aslan (Supervisor). Chanak Kale: University of March 18.
- Tafli Oglu, M.S. (2009). Ayatollah Khomeini and the issue of Velayat-e Faqih in the Islamic Revolution of Iran. PhD Thesis. Oh you. Ajak (Supervisor). Ankara: Hajat Tappeh University.
- Turkish, A.T. (2019). Turkey and Iran during the Bosnian war. Master Thesis. م. Orphan (Supervisor). Ski City: Osman Ghazi University.
- تیغیل، آ. (2012). Modernist religious thought movement in Iran. Master Thesis. ی. Shoki Yavuz (Supervisor). Istanbul: Marmara University.
- Cheragh Oglu, A. (2018). 1979 Iranian Revolution: Expansion, Formation and Developments. Master Thesis. ۵. Sign (Supervisor). Istanbul: Yeni دانشگاه Yale University.
- چلیک، م.ح. (2019). Examining Iran's discourse on the creation of a "Shiite crescent" in the framework of constructivist theory. Master Thesis. B. Han Ala Goz (Supervisor). Istanbul: Marmara University.
- ددمن، ف. (2019). Changing the nature of practical security practices: Example: US and Iran. PhD Thesis. ح.م. Marjan (Supervisor). Ankara: Build Yildirim University.
- Demir Kran, Y. (2019). A comparative analysis of immigration and security policy in Iran and Turkey. Master Thesis. B. Han Ala Goz (Supervisor). Istanbul: Marmara University.
- دوردو، ی. (2019). Gulf War: The Iran-Saudi Arabia-Saudi rivalry. Master Thesis. T.I. Shahin (Supervisor). Ankara: Ghazi University.
- دهشیری محمدرضا، (۱۳۹۳). Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Elm va Farhang Publications.
- سنا کایا، ز. (2018). Ashura ceremony in Iran and its historical

expansion. Master Thesis. م. Chaling (Supervisor). Bursa: Uludag University.

شاهين، ا. (2019). The role of religion in the regional policies of Turkey and Iran during the rule of the Justice and Development Party (AK Party). Master Thesis. P. Ozden Jankara (Supervisor). Bile Jake: Sheikh Adab Ali University.

Martyr oglu, M. (2017). Iran during and after World War II (1953-1938). PhD Thesis. ر. Doghan I (Supervisor). Al-Azik: Euphrates University.

صمدلی، ف. (2019). The view of the Islamic Republic of Iran on international law. PhD Thesis. s. Be supportive Ern (Supervisor). Ankara: Ankara University.

Aliyev, and. (2007). Iran-US Relations After the Revolution (1991-1997). Master Thesis. CH. Arhan (Supervisor). Ankara: Ankara University.

virtue, a. (2018). Political Islam, the discourse of authority and violence (Iranian example - 2000-2015). Master Thesis. ف. Polat (Supervisor). Erzurum: Ataturk University.

Fekri, A.A. (2008). Intellectualism and the Revolution in Iran, Socio-Political and Cultural Developments from 1953 to 2006: The Evolutionary Process and the Historical Formation of the Iranian Revolution. Master Thesis. ع.م. Agha Oghullari (Supervisor). Istanbul: Ankara University.

Kan Demir, A. (2016). The Role of Regional Security in Iran's Foreign Policy: Iran's Post-September Afghanistan Policy. Master Thesis. B. Han Ala Goz (Supervisor). Istanbul: Marmara University.

Canadian Kirik, st. (2019). The Inherited Face of Political Modernization: Russia and Iran. PhD Thesis. ع.م. Mert Gook Irmack (Supervisor). Bursa: Uludag University.

Kamal Jilan, A. (2008). Iran's support for terrorism after the revolution and its repercussions in Turkey. Master Thesis. s. Yilmaz (Supervisor). Istanbul: Bey Kent University.

كوجا، م. (2013). Modernization movements in Iran during the Reza Shah period (1941-1925). Master Thesis. ث. Duman (Supervisor). Malatya: Inonu University.





Giraje Richter, A. (2019). Foreign Policy of Iran's Religious Leadership: Operational Code of Ayatollah Khomeini and Khamenei. Master Thesis. ۱. Oz Gore Oz Damar (Supervisor). Ankara: Bill Kent University.

گوزده گورسل, ی (2019). The Islamic Republic of Iran under Ahmadinejad: Relations with Hezbollah. Master Thesis. ۱. Gorse (Supervisor). Istanbul: Yedi Tappeh University.

Gok Alp, A. (2016). Politics in the Islamic Republic of Iran after the revolution. Master Thesis. م. Ata (Supervisor). Konya: Seljuk University.

گولر, ج (2019). Ayatollah Khomeini (1989-1902) and his views on Imamate. Master Thesis. م. Akoglu (Supervisor). Kayseri: Ergis University.

Mutlim F, d. (2019). Religious relations of the Republic of Azerbaijan with the Ottoman government, Russia and Iran in the 19th century. ش. Yildiz (Supervisor). Bursa: Uludag University.

Milani, M.K. (2002). Constitutional Revolutions (Constitutionalism): A Comparison of Iran (1906) and the Ottoman Empire (1908). PhD Thesis. ط. Toprak (Supervisor). Istanbul: Bogazici University.

نمذار, آ.ت (2019). Measuring the level of anxiety and worry of Iranian female asylum seekers and refugees in Turkey. Master Thesis. ر.آ. Topço lu (Supervisor). Ankara: Hajat Tappeh University.

Noor Karlmaz, A. (2019). The role of women in the social and political developments of Iran in the process leading up to and after the Islamic Revolution. Master Thesis. م.س. Orwell (Supervisor). Ankara: Ghazi University.

Niazi, A. (2019). Iran's policy on the Syrian war. Master Thesis. Ganjar Ozjan (Supervisor). Istanbul: Bilgi University.

Vladimir, d. (2015). British and Soviet intervention in Iran: Iran in global imperialism during World War II. Master Thesis. غ. Osman Oz Goodenley (Supervisor). Istanbul: Marmara University.

Euro R. (2019). The Islamic Revolution of Iran in 1979 and the policies of exporting the Iranian Revolution in the Middle East. Master Thesis. ش. Yavuz (Supervisor). Chanak Castle, University March 18.

Yildirim, A. (2017). Ottoman-Iranian relations in the period of Mahmud I. Master Thesis.  . Adi Guzel (Supervisor). Ski City: Osman Ghazi University.



Abstracts